

تحلیل کاربردی ارسال‌المثل در شعر صائب تبریزی

اشرف شیبانی اقدم^۱

ژاله کریمی کیوی^۲

چکیده

شعر و مثل همواره کارکردی دو طرفه دارند؛ ارسال‌المثل، از ارکان مهم ادبیات به شمار می‌رود که شاعران و نویسندگان در اشعار خود برای شیرینی کلام به سبب روانی الفاظ و روشنی مفاهیم و معانی و وضوح بخشی بیشتر به حقیقت و اثبات سخن، از آن بهره جسته و با بیان آن هنرمندی و توانایی خود را در شعر نشان داده‌اند. از مهم‌ترین مباحث زبان‌شناسی در حوزه سبک‌شناسی کاربردی، «کنش‌گفتار» است. در این مقاله مطالعه جنبه‌های کاربردشناسی زبان که یکی از ابزارهای علمی تحلیل‌گفتار است؛ بر طبق نظرات «جان سرل»^۳، زبان‌شناس آمریکایی بررسی می‌شود و غزل‌های صائب تبریزی را در حیطه کاربردشناسی و نوع کنش‌های گفتاری تبیین می‌کند. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهشگر است. یکی از دستاوردهای این پژوهش آن است که مقولات سبک‌شناسی کاربردی را به صورت عملی و از طریق طبقه‌بندی کنش‌های گفتاری و جنبه‌های کاربردی آن تحلیل و توصیف می‌کند که چارچوبی روشن برای در نظر گرفتن تفاوت‌های کنش‌ها در ارسال‌المثل‌های صائب است و نگرش او را به دنیای پیرامونش آشکار می‌سازد که از طریق پاره‌گفتارهای گوناگون حامل پیام و مضمون‌هایی است که وجهه‌های اجتماعی افراد را در زبان تعاملی خود نشان می‌دهد.

کلید واژه‌ها: ارسال‌المثل، تمثیل، اسلوب معادله، کنش‌های کلامی، کارکرد گفتاری، غزلیات صائب تبریزی.

sheibany @ yahoo. Com

Jaleh.karimi @ yahoo.com

3- John searl

* () & % \$ # " ! !

مقدمه

از دیر باز نقش سخن در تفهیم ادراکات ذهنی و بیان عواطف انسانی مورد توجه انسان بوده است. موقعیت زبان در حد یک ابزار بیانی، کار هنری شاعر قلمداد می‌شود. یکی از گام‌های مهم در ارتباط کلامی مؤثر با دیگران، استفاده از مثل‌ها هنگام سخن گفتن است که این جنبهٔ زبانی می‌تواند توجه و اشتیاق را به مخاطب انتقال، و یا افراد را تحت تأثیر قرار دهد.

البته باید توجه داشت که رابطهٔ ادبیات و مثل دو طرفه بوده و مثل در ادبیات جایگاه ویژه‌ای دارد. گاه مثلی از زبان مردم به شعر راه یافته که با زیبایی ویژه‌ی خود توانسته است بر زبان مردم جاری شود و سینه به سینه نقل شده تبدیل به مثل شود. شعرا و نویسندگان زیادی تعاریف مختلفی از مثل داشته‌اند به طوری که پورنامداریان در کتاب رمز و داستانهای رمزی در ادب فارسی می‌گوید: «مثل کلمه‌ای عربی است از مادهٔ مَثول که در فرهنگ‌ها به معنی مانند، برهان، پند، علامت، قصه و «سرگذشت» آمده است. در فارسی به آن داستان، داستان، نمونه، نیوشه، ضرب‌المثل و تمثیل نیز گفته‌اند.» (۱۳۶۸، ۱۱۱-۱۱۴)

در تمامی تعاریف، ارسال‌المثل خاص شعر دانسته شده است و همگی قدما و متأخران این آرایه را موجب آرایش و تقویت کلام و نیز نشانهٔ قدرت گوینده دانسته‌اند. ارسال‌المثل، آن است که شاعر مثل سائر یا عبارت معروفی را به عنوان شاهد مثال در شعر خود به عاریه بیاورد یا مصرعی بگوید که حکم مثل پیدا کند و در زبان محاوره رواج یابد.

صنعت ارسال‌المثل در سبک هندی و در شعر صائب از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از آنجا که ادبیات دورهٔ صفویه بیش از دیگر دوره‌ها تحت نفوذ فرهنگ مردم بوده و اشعار این شاعر نیز بارزترین نمایندهٔ شعر آن روزگار است، بیش از دیگر شعرهای آن دوره، فرهنگ رایج عصر را در خود دارد؛ لذا بررسی ارسال‌المثل‌های این شاعر در حوزهٔ کاربردشناسی زبان صورت می‌گیرد.

پیشینه‌ی پژوهش

درباره ی کاربرد مثل ها در شعر چندین کتاب، از جمله «ارسال المثل در شعر فردوسی» (۱۳۷۶) و «ارسال المثل در مثنوی» وجود دارد که هر دو را منصور مؤید (۱۳۷۳) نوشته است؛ اما در زمینه ارسال المثل های صائب و بررسی آن ها براساس کنش کلامی و طبقه بندی های مربوط به آن و تحلیل و چگونگی کارکردهای آن مطالبی شبیه به پژوهش حاضر وجود ندارد. در آثار دیگر شاعران نیز فقط به نمونه هایی از ارسال المثل ها اکتفا شده است که فاقد این نوع تحلیل سبک شناسی کاربردی در زبان است.

در بحث کنش گفتار نیز، نظریه ها و آثار افرادی چون آستین^۱، جان سرل، جورج یول^۲ و غیره قابل توجه است و در باب نظام های گفتمانی نیز کتاب های «تحلیل گفتمانی» (۱۳۷۹) محمدرضا تاجیک و «تحلیل گفتمان انتقادی» (۱۳۸۵) فردوس آقا گل زاده نوشته شده است. این کتاب ها به ساختارهای گفتمان و کارکردهای آن می پردازند. از این منظر، گفتمان بیانگر ویژگی های ساختارهاست. گفتمان نه تنها چیزهایی است که می تواند گفته یا درباره شان فکر شود، بلکه این گفته مطرح می شود که چه کسی، در چه زمانی و با چه لحنی می تواند صحبت کند. گفتمان سازنده معنا و ارتباطات اجتماعی و شکل دهنده ذهنیت، روابط سیاسی و نیز روابط قدرت است. می توان با گفتمان به تمامی نشانه های زبان شناختی و ماورای زبان شناختی اشاره کرد.

و جوه معنایی شعر صائب براساس یکی از نظریه های سبک شناسی کاربردی، یعنی کنش های گفتاری بیان می شود و طبق نظریه های جان سرل بر پنج دسته تقسیم می شود که عبارت اند از: اعلامی، ترغیبی، تعهدی، عاطفی و اظهاری. ساخت متفاوت کارکردها، چگونگی ارتباط ارسال المثل ها را در روابط اجتماعی و فرهنگ مردم، به ویژه در زمان حیات صائب تبریزی بیان می کند و در قالب تقسیمات سرل می توان ارتباط زبانی بین گروه های مختلف مردم و نقاط مشترک بین آن ها را درک کرد. هریک از این گروه ها از کارکرد خاصی بهره مند هستند.

1 Austin
2 George yule

اهمیت این نوع نگاه کاربردشناسانه به آثار شاعران سبک هندی، به ویژه صائب تبریزی، در این است که ویژگی‌های فکری و فردی و چگونگی سازماندهی کلام شاعر را با در نظر گرفتن مخاطب، مکان، زمان و شرایط حاکم در روزگار خود نشان می‌دهد تا از این روش بتواند به اهداف و تصورات شاعر و نیز کنش‌های او دقیق‌تر و به کشف اصول انتزاعی نهفته در درونی‌ترین هسته زبان دست یابد. این نوع نگاه و توجه سبک‌شناسانه به ارسال‌المثل، الگوهای جدید دستوری را بر اساس طبقه‌بندی‌های کنشی آشکار می‌سازد و به این نکته می‌پردازد که چگونه گوینده و شنونده موفق می‌شوند تا از این طریق ارتباط برقرار کنند. همچنین این نگاه، مفاهیمی همچون معناشناسی و نقش کاربردی اشعار را با شرایط صدق جمله‌های بیان شده برجسته می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه شاعر با به کارگیری زبان، منظور خود را به مخاطب القا می‌کند، لیکن مسئله مورد بررسی نگارنده این مقاله، بیشتر با توصیف منظور شاعر و ماهیت تأثیر زبان بر ذهن مخاطب سر و کار دارد که این نوع نگاه تحلیلی، امتیاز ویژه‌ای به این مقاله می‌بخشد و با بررسی تحلیل‌گرایانه اشعار صائب از بُعد آشکار زبان، راه دستیابی به بُعد پنهان آن را برای ما هموار می‌سازد؛ چرا که «زبان کلامی به دنبال واقعی جلوه دادن است، نه بر واقعیت منطبق بودن». (شعیری، ۱۳۸۱، ۳۵)

نگارنده در این مقاله ارسال‌المثل‌های صائب را با پنج نوع کارگفت بررسی می‌نماید که در این رویکرد با توجه به موضوعات گوناگون مثل‌ها، آن‌ها را تجزیه و تحلیل می‌کند.

کاربردشناسی^۱

امروزه با واژه‌هایی چون معناشناسی، نشانه‌شناسی، تحلیل گفتمان، کاربردشناسی، هرمنوتیک یا تفسیر و موارد مشابه دیگری روبرو می‌شویم که شباهت‌های بسیاری با هم دارند و ممکن است هر اندیشمند با هر رویکردی تعریف خاصی از این واژه‌ها بیان کند؛ یکی از این موارد، «کاربردشناسی» است که از حوزه‌های زبان‌شناسی محسوب می‌شود. رویکرد این تحلیل نشان

می‌دهد که چگونه کارکردهای زبان‌شناسانه، به ساختارهای گسترده‌تر اجتماعی و اخلاقی و گفتمان‌های انتقادی منجر می‌شود.

«کاربردشناسی به جنبه‌های کنشی و موقعیتی پاره‌گفتارهای زبانی و کاربرد پاره‌گفتارها در بافت زبانی می‌پردازد و این مسئله را مطرح می‌کند که چگونه انسان زبان را به کار می‌برد تا با دیگری ارتباط برقرار کند. با چنین تعاملی می‌توان به اهداف دیگری دست پیدا کرد. به گفته جورج یول (۱۳۸۹، ۱۱) «کاربردشناسی مطالعه‌ی معنی و بررسی منظور گوینده است؛ معنایی که گوینده آن را منتقل و شنونده دریافت می‌کند و بیشتر با تحلیل منظور افراد از پاره‌گفت‌هایشان سرو کار دارد تا با معنی خود کلمات».

«تنها کاربردشناسی است که عنصرانسان را در تحلیل‌های خود وارد می‌سازد. مزیت مطالعه‌ی کاربردشناختی زبان این است که تحلیلگر می‌تواند در مورد معنی مورد نظر افراد، اهداف، مقاصد و تصورات آنان و نیز کنش‌های آن‌ها به هنگام گفتار بحث کند، اما عیب بزرگ کاربردشناسی آن است که ارائه‌ی تحلیل عینی و منسجم از این مفاهیم کاملاً انسانی بسیار دشوار است» (یول، ۱۳۸۹، ۱۲).

پاره‌گفتار^۱ بخشی از رفتار مختص انسان است که به مفهوم ذهنی بستگی دارد. رفتاری است که به صورت ارادی و از روی نیت صورت می‌گیرد.

تحلیل گفتمان^۲ یکی از نظریه‌های کاربردی در رشته زبان‌شناسی همگانی است که مطالعه‌ی زبان را در درون بافت اجتماعی - فرهنگی فراهم می‌سازد. پژوهشگرانی که به جنبه‌های مختلف کاربردشناسی، زبان‌شناسی و تحلیل گفتمان پرداخته و چارچوب تحقیق حاضر بر پایه آراء و دیدگاه آنها بنا شده است، پرویز البرزی، جورج یول و جان سرل است.

براساس نظریه‌ی سرل، به ویژه در حوزه‌ی کاربردشناسی زبان، منظور اصلی زبان آدمی انجام دادن کار است؛ یعنی زبان برای انجام دادن نقش‌هایی به وجود آمده است. به طور کلی نظریه‌ی

^۲ Utterance

^۱ Discourse analysis

کارگفت از دیدگاه سرل، نظام یافته‌تر و تا حدودی منسجم‌تر از نظریه آستین است و در نهایت کنش گفتار را به پنج رده تقسیم می‌کند: اعلامی، اظهاری، عاطفی، تعهدی، امری. صائب براساس پاره‌گفتارها در حیطه سبک‌شناسی زبان، مسائل اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی، اقتصادی و سیاسی را با نمونه‌هایی از ارسال‌المثل‌ها بازنمایی می‌کند. این موضوعات تنها جنبه‌ی تعلیمی و آموزشی داشته‌اند. او در موضوعات اجتماعی با خلق مضامین متعدد و بیانی نو، روح تازه‌ای به اشعارش می‌بخشد که ایثار و انسانیت در آن‌ها موج می‌زند.

کاربرد ارسال‌المثل و تمثیل در اشعار صائب تبریزی بسیار چشمگیر است و از این رو، وی را می‌توان نماینده واقعی شعر دوره صفویه و سبک هندی دانست. اشعار وی انعکاس دهنده دردهای اجتماعی جامعه است و رنگی از ناامیدی و شکایت از زمانه دارد. اکثر ترکیبات و اصطلاحات عوامانه سخنش نشانه توجه شدید او به زبان و تفکر مردم است و به این دلیل می‌توان وی را به اصطلاح امروزی شاعری مردمی خواند. رویکرد تحلیل کنش کلامی در شعر صائب نشان می‌دهد که چگونه کارکردهای کنش‌های گفتاری به ساختارهای اجتماعی و اخلاقی مرتبط است. اکنون، به مثال‌هایی در این زمینه توجه کنید.

گر زبان را ز سخن پاک توانی کردن خوشه‌ات صاحب خرمن شود از خاموشی

(صائب، ۱۳۷۵، ش غ، ۶۸۴۵، ب ۱۲)

شاعر در این بیت بزرگ‌ترین سرمایه‌ی انسان را حفظ زبان از سخن گفتن می‌داند و درخواستی که از مخاطب دارد نوع کنش ارتباطی میان گوینده و شنونده را مشخص می‌سازد. این عمل، «گفتن» است که به درستی انجام می‌گیرد و در مصرع دوم مخاطب را توجیه می‌کند. یا در بیت زیر، صائب ارزش‌های فرهنگی را آشکار و کارکرد شعری کلامش را با پاره‌گفتار اظهاری بیان می‌کند:

گر نمی‌خواهی شود پامال حسن خدمت وقت رفتن میهمان را کفش پیش پا منه

(همان، ش غ، ۶۵۹۶، ب ۵)

تحلیل کاربردی ارسال المثل در شعر صائب تبریزی ۱۳۵۱۱۱

و در بیت زیر کنش گفتاری اظهاری و توصیفی، یعنی زایل شدن سریع سختی ای که ذاتی نیست، در راستای مفهوم مصرع دوم، یعنی رفع شدن سختی نان با آب است که در ضمن آن بر باور شاعر از تأثیر پایدار و یژگی های ذاتی تأکید شده است..

سختی ای کان نیست ذاتی، زود زایل می شود می توان کردن به آبی نرم نان سخت را
(همان، ش غ، ۱۸، ب ۴)

بیت زیر زمینه اصلی کنش را تغییر دادن خلق و خو می داند که با موضوع اخلاقی بیان شده است و شاعر، زیبایی بهشت را در داشتن اخلاقی پسندیده می داند.

در دوزخی ز خوی بد خویش غافلی کز خلق خویش بهشت خدا می توان شدن
(همان، ش غ، ۶۳۸۷، ب ۸)

در شاهد مثال زیر شاعر معتقد است که زمین شوره زار هیچ وقت از موج سراب تهی نیست. عناصر زبانی موجود در این بیت زبان لاف را همچون تهیدستی می داند. هر دو مصرع در شناختی ملموس صورتی عینی دارند و خالی نبودن زمین بی حاصل از موج سراب را برابر با زبان تهیدست و لاف زن می داند که در مفهوم، جنبه ذهنی به خود گرفته اند.

زمین شور ز موج سراب خالی نیست زبان لاف بود لازم تهیدستی
(همان، ش غ، ۱۸۱۳، ب ۷)

ترکیبات معینی که شاعر در اشعارش برای نشان دادن سرمایه ی اقتصادی فرد در جامعه بیان می کند، واقعیات به ظاهر ساده را به عنوان مصداقی در قالب پیش انگاشت های واقعیت پذیر نشان می دهد و از این طریق می خواهد بر اساس کنش کلامی سخنش را تبیین کند.

خرج من دایم از اندازه دخل است زیاد مور در خرمن من بیشتر از دانه بود
(همان، ش غ ۳۵۷۱، ب ۷)

در پایان می توان گفت تحلیل کلام بیشتر در پی آن است که بر جنبه های ناگفته و نانوشته در بطن کلام تمرکز کند. بدین ترتیب، همان گونه که نقش های غیر ادبی زبان، مثل نقش کنشی

در دایره شمول نظریه عام زبان قرار می‌گیرد، کارکرد شعری ارسال‌المثل‌های صائب نیز در قالب تحلیل عام زبان‌شناختی قابل توصیف است.

شاعر کارکرد مثل‌ها را با تجسم بخشی و تصویرسازی اندیشه‌های اجتماعی و اخلاقی خود و با توسل جستن به استنادات عینی و الگوسازی‌های تمثیلی، می‌تواند در ذهن مخاطبش ترسیم کند و با بهره بردن از زبان مردمی و ساده، از موضوعاتی که به زندگی اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی بشر مربوط است، اغلب با شیوه مثل آوری که سنت رایج در فرهنگ و زبان مردمش است، برای قانع کردن مخاطب استفاده می‌کند.

انتقال آموزه‌ها و آزموده‌ها به دامنه تجربیات و تعلیمات مخاطب، یکی از ویژگی‌های ارسال‌المثل‌هاست که گاه مستقیماً با مضمون‌ها و نتایج مندرج در ساختارهایش به دست می‌آید. روشنگری نیز یکی دیگر از ویژگی‌های مثل‌هاست که در هنگام طرح مطلب یا موضوعی، اغلب به منظور وضوح بخشی به حقیقت و اثبات سخن، بازگو و مثال‌هایی ذکر می‌شود که می‌توان از آن‌ها نتیجه‌گیری کرد.

انواع کنش‌های گفتاری

حداقل براساس پنج دسته کنش‌های گفتاری می‌توان کارکردهای گفتاری غزلیات صائب را از هم متمایز کرد که این پنج دسته عبارت‌اند از:

۱- اظهاری ۲- ترغیبی ۳- عاطفی ۴- تعهدی ۵- اعلامی.

برای نشان دادن کارایی این پنج دسته، به تقسیم‌بندی جان سرل توجه و این نکته را بررسی می‌کنیم که هر یک از این پنج دسته دارای چه ویژگی‌هایی هستند. در توصیف ویژگی‌های کنش‌های گفتاری در ارسال‌المثل‌های صائب فرضیه‌های زیر مطرح می‌شود:

۱- کنش‌های گفتاری اظهاری: دارای ارزش صدق هستند، واژه‌ها را با جهان خارج منطبق می‌کنند و بیانگر عقاید گوینده درباره گزاره‌های خاص هستند؛ به عبارت دیگر، پاره‌گفتارهای اظهاری با واقعیات سر و کار دارند و وظیفه اطلاع‌رسانی را بر عهده دارند. کارگفت‌های

اظهاری، زبان دانش و ادراک هستند و ما به کمک این کارگفت‌ها می‌توانیم درباره هستی یا چیزهایی که قبلاً وجود داشته است و همین‌طور درباره اتفاقات گذشته و در حال انجام شدن یا درباره احتمال وقوع آن‌ها در آینده صحبت کنیم؛ بنابراین، می‌توان پاره‌گفتارهای اظهاری را تصدیق یا تکذیب کرد؛ زیرا گوینده با گفتن آن‌ها به‌طور ضمنی متعهد می‌شود که گفته‌هایش منطبق بر واقعیات جهان خارج است. (یول، ۱۳۸۹، ۷۴)

شاهد مثال زیر بیانگر کارگفت اظهاری است:

راحت بی رنج در ماتم سرای خاک نیست خنده گل گریه‌های تلخ دارد چون گلاب
(صائب، ۱۳۷۵، ش غ، ۸۶۱، ب ۳)

ساختار خبری در بیت مذکور به شکل پاره‌گفت اظهاری و توصیفی نمود یافته است. رویداد گفتاری موجود در این بیت، «در پی خنده، گریه‌های تلخ وجود دارد.» است. در سراسر بیت پویایی جریان دارد که بیانگر واقعیت جهان خارج است. نکات ساختاری بیت واقعیت مشکلات رایج در زندگی اجتماعی را نشان می‌دهد که همانا نبود آسایش و وجود رنج در دنیا است.

این کنش‌های گفتاری به پنج دسته تقسیم می‌شوند.

«الف- تأکید بر نمود (بازگو کردن) ب- تأکید بر ماهیت پیام (حکایت کردن) ج- تأکید بر اطلاعات (آگاهی دادن) د- تأکید بر ارزش صدق (تصریح کردن)

ه- تأکید بر میزان پابندی گوینده (اطمینان دادن).» (searl, 1975/p59-82)

کارگفت اظهاری معمولاً برای توصیف فرآیندهای اجتماعی به کار می‌رود. شاعر با بهره‌گیری از این کنش گفتار، به ذکر حوادث و وقایعی می‌پردازد که پیش از این، خود به صورت مستقیم، شاهد آنها بوده و از نزدیک آن‌ها را لمس کرده است. او به وسیله این کنش، پیوسته تجربیات خود را در اشعارش به صورت ارسال‌المثل می‌آورد.

صائب با استفاده از این کنش گفتاری اظهاری دیدگاه‌های خود را به صورت ساختار خبری بیان می‌کند که بیشتر به شکل مفهوم غیرضمنی و صریح است. اغلب این کارگفت‌ها به شکل درون‌مایه‌های اجتماعی برای تبیین مضامین اجتماعی به کار می‌رود. شاعر با تأکید بر اطلاعات، مخاطب را به مسائل اجتماعی، اخلاقی، فردی و غیره آگاه می‌سازد که در هر رخداد معنایی ارتباطی برقرار می‌شود.

گوینده باورها و عقاید خود را با تأکید بر میزان پابندی به مفاهیم و ارزش صدق گفتار براساس رابطه عقلی مطرح می‌سازد. شاعر در این کارگفت به موضوعاتی از قبیل سنجش دوستان، دل‌کندن از دنیا، پرهیز از دروغ‌گویی، سکوت در برابر کج‌بحثان، پرهیز از حرص و آزمندی، آداب معاشرت با مردم و غیره می‌پردازد. ارسال‌المثل‌هایی که نمایانگر این کارگفت هستند، رویدادهای جامعه خود شاعر را نشان می‌دهند و با استفاده از این کنش گفتار اظهاری، دنیای درونی و بیرونی خویش را که به آن تعلق دارد و در جریان زندگی روزمره خود این مسائل را تجربه کرده است، برای مخاطبش توصیف می‌کند.

مخاطبان شاعر، گروهی از افراد هستند که در موقعیت‌های گوناگون اجتماعی قرار گرفته‌اند. کاربرد چنین ارسال‌المثل‌هایی با ویژگی‌های مذکور موجب ارتباط زبانی گوینده و شنونده می‌شود که گاهی به صورت عینی مشهود است و جنبه‌های مختلف ارتباط معنایی بین هر دو مصرع غزل به عنوان شاهد مثالی برای اثبات ادعای شاعر بیان می‌شود.

در بیت‌های زیر شاعر آداب معاشرت و سلوک با مردم را در قالب ارسال‌المثل به مخاطب القا می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه زبان برای بیان اظهارها به کار می‌رود. اگر پیامی اظهار می‌شود، هدف آن است که کارکرد زبان برای انجام دادن کنش استفاده شود.

در مجالس حرف سرگوشی زدن با یکدیگر در زمین سینه‌ها تخم نفاق افشاندن است

(صائب، ۱۳۷۵، ش غ، ۱۰۷۰، ب ۷)

این مثل در زمینه اجتماعی بیان شده است و به منزله عملی عینی محسوب می‌شود که سبب کاشتن تخم نفاق در سینه‌هاست و شاعر این گفته را به شکل کنش گفتاری اظهاری و به صورت صریح بیان می‌کند.

شاهد از خارج نمی‌باید خیانت پیشه را دزد از تغییر رنگ خویش رسوا می‌شود
(همان، ش غ، ۲۶۹۱، ب ۶)

مثل فوق‌الذکر نیز یکی دیگر از مسائل اجتماعی را مطرح می‌سازد که با استفاده از کنش گفتار اظهاری واکنش فرد را در مقابل کار انجام شده تبیین می‌کند و بر اساس شاهد عینی گفتارش را به اثبات می‌رساند. با استناد به این موضوعات اجتماعی مثل‌های فراوانی در اشعار صائب در واقعیات مشابه وجود دارد که اغلب موضوعات اجتماعی در مثل‌ها، از پیشینه پاره‌گفتار کلامی ناشی می‌شود که به چگونگی رفتار مخاطب ارتباط دارد. برای آگاهی بیشتر می‌توانید به غزل‌های شماره

(غ ۱۹۲ ب ۸)، (غ ۴۴۶ ب ۹)، (غ ۱۰۲۴ ب ۴)، (غ ۱۰۲۵ ب ۵)، (غ ۱۰۸۳ ب ۲)، (غ ۱۱۵۶ ب ۱۰)، (غ ۱۱۹۳ ب ۱)، (غ ۱۲۰۹ ب ۴)، (غ ۱۲۱۶ ب ۱۱)، (غ ۱۸۱۳ ب ۷)، (غ ۲۳۷۰ ب ۱۰)، (غ ۲۶۷۸ ب ۶)، (غ ۲۶۹۱ ب ۶)، (غ ۳۲۷۳ ب ۳)، (غ ۳۷۲۶ ب ۲)، (غ ۴۸۳۸ ب ۱۳)، (غ ۶۷۳۳ ب ۱)، (غ ۶۸۳۳ ب ۵)، (غ ۶۸۷۲ ب ۵) در دیوان صائب مراجعه کنید.

۲- کارگفت‌های ترغیبی: نشان دهنده تلاش گوینده برای ترغیب مخاطب به انجام دادن کاری هستند و از این رو جهان را با واژه‌های زبان منطبق می‌کنند و نشان می‌دهند که گوینده تمایل دارد مخاطب عملی انجام دهد و با استفاده از کارگفت‌های ترغیبی سعی می‌کند شنونده را به انجام دادن کاری وادار کند یا او را از انجام دادن کاری باز دارد. (یول، ۱۳۸۹، ۷۵)

در این کارگفت شاعر با بهره‌گیری از مفاهیم ضمنی (کنایی) و غیرصریح مخاطب را به انجام دادن امری ترغیب می‌کند که در زندگی اجتماعی ارزشمند محسوب می‌شود و گفته‌های خود را منطبق با دانسته‌های مخاطب به صورت غیرمستقیم بیان می‌کند. اغلب این کنش‌های گفتاری متضمن دستورها و درخواست‌هاست و شاعر به منظور وضوح بخشی بیشتر به حقیقت و اثبات

سخن خود، مخاطب را به مسائل اخلاقی و تعلیمی و غیره در قالب کنش گفتاری ترغیبی تشویق می‌کند. همین شیوه بیانی است که جنبه واقعی به‌ارسال‌المثل‌های صائب می‌بخشد. افعال استفاده شده در این نوع کارگفت، افعالی امری و درخواستی است که شاعر ضمن امر و ترغیب، در بیان افکارش به امری سفارش می‌کند یا این که مخاطب را از کاری برحذر می‌دارد و بدین وسیله منظور خود را از مفهوم آشکار می‌سازد؛ لذا بیشتر، مضامین اخلاقی را در بردارد. پاره‌گفتار ترغیبی به سه نوع تقسیم می‌شود:

۱- ۲- پیشنهادها: مثبت شامل اندرز دادن، پند دادن، پیشنهاد کردن، توصیه کردن، سفارش کردن، فراخواندن، نصیحت کردن و منفی شامل اخطار دادن، برحذر داشتن، هشدار دادن. (البرزی، ۱۳۸۶، ۱۲۸-۱۳۲)

از آسمان کهنسال چشم جود مدار نمی‌دهد چو سبو کهنه گشت نم بیرون
(صائب، ۱۳۷۵، ش غ، ۶۳۷۳، ب ۱۱)

در بیت مذکور شاعر در کاربرد زبانی خود در بیان رخدادهای گفتاری به طور ضمنی به قطع امید و انتظار نداشتن از آسمان توصیه می‌کند. او خواهان اجتناب مخاطب از آسمان کهنسال است که از عملکرد و کارکرد این بیت تصویری منفی می‌سازد.

۲- ۲- دستورها: فقط هنگامی مؤثر واقع می‌شوند که گوینده مقامی بالاتر و دارای قدرتی بیشتر از مخاطب باشد. افعال مورد استفاده در این کارگفت عبارت‌اند از: امر کردن، دستور دادن، نهی کردن، منع کردن. (یول، ۱۳۸۹، ۷۷)

پا منه بیرون زحد خود سعادت‌مند باش نیست کمتر از هُما تا جغد در ویرانه است
(صائب، ۱۳۷۵، ش غ، ۱۱۷۹، ب ۴)

نکته کلی بیت مذکور، درباره خوشبختی و سعادت است و شاعر با نهی کردن مخاطب به خارج نشدن از حریم توصیه می‌کند و ارزش و مقام هرکس و هر چیز را در جای خویش مهم می‌داند و با بیان وجهه‌های اجتماعی، آگاهی و شناخت خود را از وجهه‌های مختلف نشان

می‌دهد. گوینده با کسی حرف می‌زند که وجهه اجتماعی معتبرتری از او دارد؛ چیزی که در قالب کنش گفتاری امری یا ترغیبی نمود می‌یابد. وی انتظار دارد که مخاطب با تجاوز نکردن از حریم خود بتواند به سعادت دست یابد.

۳- ۲- درخواست‌ها: گوینده با این پاره‌گفتارها از مخاطب خواهش می‌کند که کاری را انجام دهد یا از انجام دادن کاری منصرف شود. افعال مورد استفاده در این کارگفت عبارت‌اند از: استدعا کردن، التماس کردن، تقاضا کردن، تمنا کردن، خواستن، خواهش کردن، درخواست کردن، طلب کردن (طلبیدن)، قسم دادن. (البرزی، ۱۳۸۶، ۱۲۸)

نمونه‌های ذکر شده در زیر، پاره‌گفتارهای ترغیبی را بر اساس انواع گوناگون آن نشان می‌دهد.

بی تأمل دم مزن کز بهر گوهر سالها می‌نهد دندان خود را بر سر دندان صدف

(صائب، ۱۳۷۵، ش‌غ، ۵۱۶۱، ب ۱۸)

معیار دوستان دغل روز حاجت است قرضی به رسم تجربه از دوستان طلب

(همان، ش‌غ، ۹۲۰، ب ۵)

باطن خود را مزین کن به اخلاق جمیل کانچه می‌ماند به حسن لایزال این است و بس

(همان، ش‌غ، ۴۸۳۶، ب ۵)

مگو پوچ تا نشنوی حرف پوچ که خمیازه خمیازه می‌آورد

(همان، ش‌غ، ۴۵۴۶، ب ۷)

بنا به آن چه اشاره شد، در هر کدام از نمونه‌های مذکور، شاعر مطلبی را با وجوه معنایی مختلف بیان می‌کند و آن‌ها را با مقاصد ارتباطی متفاوت درخواست کردن، خواهش کردن و طلبیدن تبیین می‌کند و تا اندازه‌ای که ضروری می‌داند می‌خواهد با القای چنین مطالبی بر حسب موقعیت فردی، مخاطب را به انجام دادن کنشی تشویق کند که به رفتار معینی منجر می‌شود و آن رفتار را در مرتبه خود تحسین می‌کند. شاعر در تعامل‌های اجتماعی روزمره خود

و مردمش با چنین موضوعاتی سرو کار دارد و با این کنش گفتار وجهه‌های درخواستی خود را به صورت مستقیم معین می‌کند.

اکثر کنش‌های گفتاری ترغیبی که در کلام شاعر مشاهده می‌شود برای تذکر دادن به سنجش دوستان، سخن نگفتن بدون فکر و اندیشه، شکیبایی در برابر سختی‌ها، شناختن جایگاه خویش و میانه‌روی در کارها، دل نیستن به دنیا و دوری گزیدن از دشمنی که هدفش ضربه زدن است؛ به کار می‌رود. این کنش‌ها اغلب با کنش‌های اظهاری همراه هستند و فقط برای برقراری ارتباط نیستند، بلکه بسیاری از مقولات اجتماعی از قبیل نسنجیده سخن گفتن، حریص نبودن به دنیا، پاک کردن خود از پلیدی‌ها، دل‌کندن از هر دو دنیا و.. به کار گرفته می‌شود که واقعیت‌های به وقوع پیوسته را به مخاطب گوشزد می‌کند.

با توجه به مضامین گسترده‌ی شعر صائب در موضوعات ذکر شده، پیشنهاد می‌شود غزل‌های شماره (غ ۸۶۱، ب ۹)، (غ ۹۱۵، ب ۸)، (غ ۵۱۱۷، ب ۱۵)، (غ ۵۱۳۸، ب ۳)، (غ ۵۲۰۳، ب ۲)، (غ ۵۲۰۷، ب ۵)، (غ ۳۴۶۵، ب ۹)، (غ ۶۶۲۸، ب ۱۴)، (غ ۶۶۹۳، ب ۷)، (غ ۶۶۹۶، ب ۳) را از دیوان وی که نشان دهنده پاره گفتار مذکور است، مطالعه کنید.

۳- کارگفت‌های عاطفی^۱: بیانگر احساس‌گوینده به وضعیتی (احتمالی) هستند که به کمک این کارگفت‌ها شاعر احساسات و حالات روحی خود را از جهان خارج به موضوعی نشان می‌دهد که شامل حالات روانی و نیز نمود احساساتی از قبیل شادی، درد، علاقه، تنفر، لذت یا غم است. (یول، ۱۳۸۹، ۷۴؛ البرزی، ۱۳۸۶، ۹۵)

شاعر در این کنش اغلب با رفتارها و نگرش‌ها در جامعه مواجه است و واکنش خود را به رفتار دیگران نشان می‌دهد و نیز نگرش‌های خویش در قبال رفتار آن‌ها را مطرح می‌سازد. وی با بهره‌گیری از کنش عاطفی یا احساسی در اشعار خود، به صورت صریح و غیرضمنی به بیان

^۱Expresoiro

نظرات، افکار و احساسات خود می‌پردازد که با این روش در واقع حضور فکری و روحی شاعر برای مخاطب قابل درک است.

در این کارگفت گوینده مراتب همدردی خود را به موضوعی با ابراز احساسات خویش نشان می‌دهد و یا به مواردی انتقاد یا این که درباره‌ی مسئله‌ای دلسوزی می‌کند. زمانی شاعر در بُعد عاطفی از تنزل شدید درونه‌های عاطفی حکایت می‌کند که مبین احساس درونی وی از گذشت زمان است.

کارگفت‌های عاطفی را می‌توان به سه بخش عمده تقسیم کرد:

۱- کارگفت سنجشی: در برخی از کارگفت‌های عاطفی، گوینده به‌ارزیابی رفتار دیگران (معمولاً مخاطب) می‌پردازد. ما در اینجا این کارگفت‌ها را «سنجشی» می‌نامیم. نقش این پاره‌گفتارها قضاوت درباره‌ی اعمال مخاطبان است که به انجام دادن عملی در گذشته دلالت دارند و به دو بخش تقسیم می‌شوند:

الف- سنجشی مثبت: آفرین گفتن، افتخار کردن، پسندیدن، تبریک گفتن، تحسین کردن، تشویق کردن، تصدیق کردن، تعریف و تمجید کردن، سپاسگزار بودن، ستایش کردن.

دشمن خانگی از خصم برونی بترست اختیار سر خود را به زبان نگذاری

(صائب، ۱۳۷۵، ش غ، ۶۸۳۳، ب ۵)

جریان گفتمان در این بیت، حسی ادراکی است و گوینده با حس دشمن درونی به این باور و درک می‌رسد که دشمن خانگی بدتر از دشمن بیرونی است. در مصرع دوم، به سنجش و ارزیابی ذهنی و شخصی می‌پردازد و در انجام دادن عملی همچون مهار نکردن زبان که سبب بروز دشمن درونی می‌شود؛ تأکید خود را در بیان واقعیت متجلی می‌سازد و با توجه به عبارت «بترست» تصدیق گفتارش را بازگو می‌نماید.

ب- سنجشی منفی: ایراد گرفتن، خرده گرفتن، سرزنش کردن، شکایت کردن، گله داشتن، مخالف بودن، مسئول دانستن، مقصر دانستن، ملامت کردن، مؤاخذه کردن، نفرین کردن، نکوهش کردن.

از لب بیهوده گویان امن نتوان زیستن سوزنی با خویش باید همچو عیسی داشتن
(همان، ش غ، ۶۰۲۵، ب ۶)

در بیت مذکور شاعر احساسات روحی خود را از طریق اظهار همدردی با کارگزار در جامعه با مفهومی صریح نشان می دهد و با به کارگیری این کارگفت، منظور خود را از پیام با ارزیابی رفتار مخاطب (بیهوده گویان) بیان می کند و با افکاری ذهنی به توصیف دنیای بیرونی می پردازد و با گزینش عناصر زبانی، جنبه های ذهنی و شخصی خود را اعمال می کند. شاعر با بیان احساس در قالب ارسال المثل که مضمونی تاریخی و ریشه ای داستانی دارد، به مسئله اخلاقی در جامعه اشاره می کند. به این ترتیب، برای به کرسی نشاندن ادعایش با بهره جویی از این کنش گفتاری معتقد است برای امن زیستن باید همچون عیسی سوزنی برای دوختن لب بیهوده گویان داشت.

۲- کارگفت های دریافتی: برخلاف کارگفت های سنجشی که به رفتار مخاطب در گذشته مربوط می شوند، گوینده با استفاده از برخی کارگفت های عاطفی، درباره عمل یا پیامد کنونی عملی اظهار نظر می کند که در گذشته خودش انجام داده یا در انجام دادن آن کوتاهی کرده است. این کارگفت ها را که به گذشته دلالت دارند و گوینده محور هستند، کارگفت های دریافتی می نامیم. (searl, 1957 / p59-82)

بر اساس گفته شاعر در این بیت زیر

قامت خم عذر ایام جوانی را نخواست رفت تیراز شست بیرون چون کمان آمد به دست

(صائب، ۱۳۷۵، ش غ، ۱۲۱۶، ب ۱۱)

گوینده بر سپری شدن ایام جوانی خود تأسف می خورد؛ بنابراین، الگوی استفاده از کنش گفتاری احساسی و اظهاری را بیان می کند. در این نوع از کنش گفتار می توان موضوعات گوناگونی همچون ناامیدی، یاری نرساندن به دیگران، دلسردی از رفتار دیگران، کمبود محبت، همدردی، احساس خستگی و ناتوانی و غیره را نام برد که شاعر به اندازه کافی درباره موارد مذکور، در اشعارش سخن گفته است و زندگی اجتماعی انسان را که با عواطف روحی و احساسی همراه است، نشان می دهد. گاهی کنش گفتار احساس و اظهار برگرفته از اعمالی است که گوینده یا شنونده انجام داده است. نمونه های زیر نشان دهنده کنش گفتار عاطفی است که شاعر به مسائل اخلاقی و اجتماعی با این کنش اهمیت می دهد و آشکار است که گوینده از وضعیت موجود راضی نیست و ضمن تبیین احساس خود، به ارزیابی رفتار دیگران می پردازد و جریحه دار شدن احساسات روحی خود را به طور ضمنی بیان می کند.

در مزاج تند خویان گریه را تأثیر نیست آتش سوزان نمی اندیشد از اشک کباب

(همان، ش غ، ۸۶۴، ب ۱۶)

چون جرس از ناله بیهوده در این کاروان خویشتن را از زبان انداختم بی فایده

(همان، ش غ، ۶۵۹۰، ب ۲)

۳-۳- کارگفت های صحبت گشا: منظور از بیان این پاره گفتارها تعیین نوع رابطه بین افراد جامعه است؛ اگر چه این کارگفت ها از کارگفت های دیگر نقش کم رنگ تری دارند و به هیچ وجه کم اهمیت تر از آنها نیستند. پاره گفتارهای صحبت گشا اغلب شامل عبارات و اصطلاحات کلیشه ای و متداول درباره سلام، احوال پرسی، تعارف مؤدبانه، خداحافظی و همچنین صحبت درباره موضوعات معمول در هر جامعه زبانی است که کنش های متعارف نیز گفته می شود. (البرزی، ۱۳۸۶، ۹۶)

با توجه به اینکه ارتباط دو سویه، نوعی از مؤثرترین ارتباط انسانی است و در این پاره گفتار مطرح می شود که براساس گفته شاعر در بیت زیر

چه عجب اگر نسوزد دل کس به‌اه سردم نرسیده‌ام به دردی که کسی رسد به دردم
(صائب، ۱۳۷۵، ش غ، ۵۹۸۱، ب ۱)

این ارتباط دو سویه نبوده است و به روشنی می‌بینیم که این گفته نمایانگر نوعی احساس و همدردی نکردن با دیگران است و شاعر با بیانی مستقیم می‌خواهد عواطف روحی و وضعیت اجتماعی و فردی را مطرح کند. بدیهی است هر کنش متقابل دارای موقعیتی است که در جای خاصی رخ می‌دهد که دوره و زمانی ویژه دارد. در این نوع کنش متقابل، هر فرد با بیان کلماتی به همان اندازه با حرکات و حالت چهره رابطه برقرار می‌کند. شاعر معمولاً زمانی که از مسئله‌ای ناراحت می‌شود، کنش گفتار عاطفی را به کار می‌گیرد که در واقع احساس گوینده را در بردارد و ممکن است این پاره گفت بر احساسات، افکار و کنش‌های مخاطب تأثیر گذار باشد.

مثال:

پیش هر سنگی که کردم سینه را صائب سپر در بیابان طلب سنگ نشانی شد مرا
(همان، ش غ، ۱۳۴، ب ۱۳)

گوینده در بیت مذکور، ضمن بیان عواطف درونی خود به انجام دادن عملی در گذشته، مرتبه نخست شاعر را مورد خطاب قرار می‌دهد و با بیان چنین پاره گفتارهای کلامی، عواطف و احساسات خود را با مفهوم منطبق می‌سازد که ادراکات درونی و تأثیرات موقعیت‌های بیرونی را متجلی می‌کند که همان سینه سپر کردن خود را در مقابل هر مشکلی بیان می‌نماید که سرانجام این کنش عاطفی سبب نشان‌دار شدن او می‌شود.

۴- کارگفت‌های تعهدی: گوینده با استفاده از این کارگفت متعهد می‌شود که عملی را در آینده انجام دهد. این کارگفت‌ها جهان را با واژه‌ها منطبق می‌کنند و قصد گوینده را برای انجام دادن عملی نشان می‌دهند و هنگامی به جا هستند که گوینده قصد و قدرت انجام دادن عملی را داشته باشد که این کارگفت معین کرده است و همچنین مخاطب به توانایی گوینده در وفای به

عهدش ایمان داشته باشد. (یول، ۱۳۸۹، ۷۵) «با بیان پاره گفتارهای تعهدی روی کنش‌های معینی پافشاری می‌کنیم یا تعهداتی را تقبل می‌نماییم.» (البرزی، ۱۳۸۶، ۷۵)

این کارگفت در اشعار صائب چندان چشمگیر نیست و بسامد اندکی دارد؛ چرا که گوینده با بیان پاره گفتارهای تعهدی بر کنش‌های معینی از جمله وعده دادن، قول دادن، و قرار داد بستن پافشاری یا تعهداتی را تقبل می‌کند. در مضامین شعرهای صائب سخنی از عهد بستن و تعهد انجام دادن کاری مشاهده نمی‌شود. این کارگفت در اشعار او تعهدی را به منظور انجام دادن کاری برای مخاطب بیان می‌کند.

گر توانی آب زد بر آتش خشم و غضب می توان گلداسته ها بر آتش نمرود بست
(صائب، ۱۳۷۵، ش غ، ۱۲۰۹، ب ۴)

شاعر در مصرع اول بیت مذکور با تأکید بر این نکته اشاره می‌کند که با شکیبایی و فرو نشانیدن خشم می‌توان از این آتش، گلستانی را برای خود به وجود آورد. در این بیت تعهدات شاعر با مفاهیم صریح نشان داده می‌شود و مخاطب را موظف به انجام دادن عملی در آینده می‌کند. میزان تعهد گوینده ریشه‌داستانی دارد و با ذکر داستان انبیا و پیامبران، قصد دارد تعهدی برای انجام دادن عمل وعده داده شده ایجاد کند که کلمات خود را با جهان خارج هماهنگ می‌سازد.

صبر درد بی دوا را عاقبت درمان کند ناامیدی خضر ره شد رهرو گمراه را
(همان، ش غ، ۱۹۴، ب ۱۴)

در این بیت شاعر بر اساس مفاهیم مطرح شده تعهد گوینده را مبنی بر انجام دادن عملی بیان می‌کند و این چنین برای مخاطب متعهد می‌شود که سرانجام، صبر و شکیبایی درد بی دوا را درمان می‌کند؛ بنابراین، گوینده در تلاش است تا تعهدی را به شنونده تکلف کند و آن هم صبر کردن است. در واقع، این کنش نقشی الزام‌آور دارد. هر دو بیت تداعی‌کننده تصویر در ذهن مخاطب است و واقعیت بیان شده مفهوم غیر ضمنی را آشکار می‌کند.

وجه کاربردی ارزیابی در تعهدات نمونه‌های مذکور، همان پاداش کاری است که شاعر در تلاش است تا تعهدی را به شنونده تکلیف کند و با بیان این کنش تعهدی، گوینده خود را مکلف به انجام دادن کنش می‌داند. شاعر زمانی این پاره گفت را به کار می‌گیرد که بر حسب موقعیت می‌خواهد مخاطبش را در زمان آتی ملزم کند که عملی را انجام دهد.

۵- کارگفت‌های اعلامی: کارگفت‌هایی هستند که به محض ادا شدن باعث بروز تغییراتی در شرایط مخاطب می‌شوند. مهم‌تر این که کارگفت‌های اعلامی را باید کسی بیان کند که از قدرت قانونی برخوردار باشد و شرایط انجام دادن آن کارگفت نیز فراهم باشد؛ برای مثال کارگفت «من شما را زن و شوهر اعلام می‌کنم»، در صورتی معتبر است که گوینده صلاحیت و شرایط اجتماعی لازم را داشته باشد. (البرزی، ۱۳۸۶، ۹۷)

کارگفت‌های اعلامی باعث می‌شوند تعامل بین محتوای گزاره‌ای و جهان خارج به وجود آید؛ به این ترتیب، انطباق در این کارگفت‌ها دو سویه است. سرل درباره کارگفت‌های اعلامی به هیچ وضعیت روانی اشاره نکرده است. افعال مورد استفاده در این پاره گفت عبارت‌اند از: ابلاغ کردن، بازخواست کردن، بازجویی کردن، به عقد در آوردن، حکم دادن، صلح کردن، عزل کردن، لغو کردن، متهم کردن، محکوم کردن. (searl, 1975/p 59-82)

گوینده با به کارگیری کنش اعلامی از طریق کلمات، اوضاع دنیای خارج را تغییر می‌دهد. در این کارگفت برای هر کنش متعارف، مانند مراسم عقد زوجین، باید شرایط خاصی برای موقعیت کنش تحقق یابد؛ بنابراین، در این کنش گفتاری، کلام صحیح باید در زمان مشخص از سوی فرد مناسب بیان شود تا این کنش‌ها تابع شرایط گفتاری مرتبط باشند که تنها موقعیت گفتار را بیان می‌کنند. (البرزی، ۱۳۸۶، ۹۵-۹۶) صائب در اشعار خود به ظاهر از شرایط نامناسب اجتماعی زمان خویش سخن می‌گوید که از این طریق تلاش می‌کند آن‌ها را اصلاح کند، اما شرایط خاصی برای موقعیت کنش، تحقق نیافته است تا در قالب کنش گفتاری اعلامی در مخاطب تغییر ایجاد کند.

تحلیل کاربردی ارسال المثل در شعر صائب تبریزی ۱۴۹۱۱۱

بنابراین، بر اساس توضیحات گفته شده کنش اعلامی در شعر صائب جایگاه خاصی ندارد؛ چون اشعاری را بیان نمی‌کند که نشان‌دهنده شرایطی در روابط طرفین برای تحقق کنش باشد، به عبارتی، صائب به دیده‌ای حکیمانه شاهد اوضاع جهان است.

نتایج مقاله

در این مقاله، رویکرد نوینی در زبان‌شناسی و نیز مطالعات کاربردی، با نام تحلیل کاربردی در پیش گرفته شد که پژوهشگر از آن برای تحلیل و بررسی ارسال‌المثل‌های صائب استفاده کرد. این رویکرد در هر جامعه زبانی، بر اساس قرارگرفتن در موقعیت‌های اجتماعی معین و نوع ارتباط خود با مخاطب، کنش‌های کلامی مشخصی را به کار می‌گیرد. بررسی روابط بین کنش‌های گفتاری، یکی از موضوعات مهم سبک‌شناسی و کاربردی زبان محسوب می‌شود و در حوزه زبان‌شناسی نیز نظر بسیاری از پژوهشگران و زبان‌شناسان را به خود جلب کرده است. با استنباط‌هایی که از کلام شاعر شده است، در صدد دریافت میزان و چگونگی انتقال پیام بر اساس کنش‌های گفتاری برآمدیم و دریافتیم پیام‌های صائب بیشتر با کنش‌های گفتاری اظهاری و توصیفی انتقال یافته است که اغلب در بردارنده پند و اندرز و حکمت‌ها و مثل‌های معروف است و برخی از این مثل‌ها به صورت عامیانه با زبان و بیان بسیار ساده و صمیمی بیان شده است.

محور اصلی شعر صائب انسان است و به وسیله‌ی آن، اشیاء و معانی انتزاعی را انسان فرض می‌کند. وی با قشر و طبقه خاصی سر و کار ندارد و دارای روش خاصی نیست؛ همین مسئله کار صائب را از دیگر شاعران متمایز کرده است.

در این پژوهش با بررسی جنبه‌های کاربردی زبان شعری صائب، او را شاعری شناختیم که با بهره‌گیری از کنش‌های گفتاری گوناگون، پیام و مضمون‌هایی را منتقل می‌کند که رفتارهای

اجتماعی رایج در روزگاران گذشته در آن‌ها مطرح است و از این طریق به اصلاح جامعه و مردم تمایل نشان می‌دهد و وقایع پیرامون خود را توصیف می‌کند. وی بسیاری از تجربه‌ها و دانش‌های اجتماعی و فرهنگی خود را به صورت سخنان حکیمانه و پندآموز در قالب ارسال‌المثل‌های زیبا و دلنشین آشکار می‌سازد که در ادامه این بررسی‌ها مشخص شد کنش‌گفتاری اظهاری و توصیفی بیشترین بسامد را در اشعار صائب دارد و کنش‌های ترغیبی، عاطفی و تعهدی به ترتیب در مراتب بعدی قرار دارند. او از کنش‌گفتار عاطفی برای بیان نظریات، افکار و احساسات خود بهره می‌جوید. به کارگیری افعال کنشی بیانی (اظهاری) در توصیف دنیا و جهان در کلام صائب بیانگر تلاش وی برای نشان دادن تصویر واقعی از دنیای ناپایدار است.

کتابشناسی

- آقاگل زاده، فردوس. (۱۳۸۵). تحلیل گفتمان انتقادی، چاپ نخست، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- البرزی، پرویز. (۱۳۸۶). مبانی زبان‌شناسی متن، تهران: امیر کبیر.
- پورنامداریان، تقی. (۱۳۶۸). رمز و داستانهای رمزی در ادب فارسی، چاپ سوم، انتشارات علمی و فرهنگی.
- شعیری، حمیدرضا (۱۳۸۱). مبانی معنا شناسی نوین، تهران: سمت.
- صائب تبریزی، محمد. (۱۳۷۵). دیوان غزلیات، به کوشش محمد قهرمان، ۶ جلدی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- منصور مؤید، علیرضا. (۱۳۷۶). ارسال المثل در مثنوی، تهران: سروش.
- همو. (۱۳۷۳). ارسال المثل در شاهنامه فردوسی، تهران: سروش.
- یول، جورج. (۱۳۸۹). کاربردشناسی زبان، ترجمه مهدی عموزاده مهدیرجی و منوچهر توانگر، چاپ چهارم، تهران، سمت.
- Searle, J.R.(1975). Indirect speech acts. In Cole & Morgan (1975:59-82).